

جای اداره کسما

در - غلامین کتانی

ملکرافات و مکاتیب  
باید بعنوان ذیل باشد

جنگل

بره چهارم طبع و توزیع خواهد شد

گفت نمره هفت شاهی

# کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و اطلاعات  
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

و در اشتراک بجز در نمره دریافت نمیشود

قیمت اشتراک

یکماه ۵۰ قران

پنجشنبه ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۳۶

## این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

### عید نداریم

بترکم بیات و هجوم مصائب با بادی قحطی و کربلی  
در تمام ایران و تلافی نفوس بی صاحب ایرانی  
با فقر عمومی و پریشانی و ظلمت ملت با ظلم های  
طاقت فرستی خائنین و مرتجعین داخلی و بعضی  
شکنی ما و تجاوات دولت مظلوم آزار انگیز  
بالاخره سر بر همه این مصیبت ها چاره غمخیزه نجف  
اشرف و توپ بستن مجرم مولای متقیان ارواحنا  
فداه و شهادت حجه الاسلام آقای آقا سید علی  
و با سایر بدبختی های محسوسه اگر بگوئیم عید داریم  
بدون بر این دیگر بی حسی خود را ثابت نموده ایم  
عقیده ما این است که باید این بزرگترین آزار  
ملت که دیانت حق است اسلامی نیز تصدیه نشود  
همه وقت محفوظ و مجری ماند برای اینکه بین یک  
اثر بزرگ از بقایای آثار عظمت و بزرگواری مجتهد  
و ائمه سابقه ما نشان میدهد اما بکنیم که با  
وجود محن و بلا یی موجوده اقدام با جری تریات  
این روز تاریخی بخلت و عدم حسین و مدرک

همه ما را ظاهراً بر خواهد نمود.

بنابر این در این عید سلطانی و روز تاریخی فقط  
در گیلان بسلام حکومتی آنهم بطور ساده و بعضی  
ترتیبات جزئیته الکفاشده در روزی خواهیم  
رسوم اعیاد مترکه خود را تجدید کردیم که دست  
اجانب از مملکت معطوع بشر خائنین داخلی برفع  
و ارال شور انگیز ملت پیماره ایران از قمار خست  
و ظلم و ماعب دیگر رفت تجاوزین بختی بی  
و ملی با بخرامی بد کرداری خود رسیده باشد البته  
در آن چنان روزی سرادار است که عید گرفته و  
شادی کنیم فعلاً از عرض تبریک معذرت نخواهیم  
زیرا با دلایل مذکوره عید نداریم

### ما چه میگوئیم؟ چه میگوئیم؟

که چه در این موضوع و مقصود بقدریکه از زمان خویش  
روشن شود تاکنون صفحات جنگل از انشا خود  
واری گذشته ولی باز برای تذکر عطف توجه بین  
موضوع حکم که عنوان کلام ادوات و فداکاریهای

است بنمایم که در آن ذکر فی مفعول المؤمنین، قبل از همه چیز طرفدار استوار استقلال ملکت ایریم استقلال تمام معنی الکلمه یعنی بدون اندک دخالت و نظریاتی ایریم دولت اصلی و این نقطه نظر تمام دول جانب چه بچوار چه غیر بچواره مقابل یکسانست.

باید کس نظر دوستی و دشمنی ندارم با دوست ایران دوستم و با دشمن این آب و خاک تمام خصومت دشمن هر کس باشد و هر چه بی اشتنا بی تفاوت با بنام اتحاد اسلام، قیام کردیم و این جمعیت مقدس منتسبیم ولی باید دانست که طرفدار اتحاد اسلام بنام ساده (انما المؤمنون اخوه) یعنی میگوئیم در ان موقع که تشنگی کلمه و اختلاف اسلامیان مسلمانان از ابدت دشمن عمومی دلیل بر بون کرده نباید مسلمانان برادر کشی کنند بنام شیعه و سنی و سایر عداوتین مذهبی بجان هم افتاده و مجال استفاده دشمن عمومی بدهند.

و حکم آنکه ما ایرانی هستیم مسئول و وظیفه دار حفظ این آب و خاک ایران و وطن مقدس ایرانیا

در نظر ما بر تمام بلاد و مالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت بانجام وظایف ایرانت البته برادران اسلامی ما و میسکه بو ظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهند بود و از استقلال مالک اسلامی خورند و از ترنزل استقلال خانه های مسلمین متاثر می شویم.

اینست معنی اتحاد اسلامیکه ما میگوئیم آیا هیچ مسلمانرا شایسته است سرپیچی از این اصل اساسی؛ ما بعد از موفقیت یعنی احراز استقلال تمام و تمام ایران با همان نظریات سابق الذکر بواسطه آنکه تنها نمیتوان زندگی کرد دوستی و حسن مناسبات و بلوا ایران را بر تمام دول عرضه میداریم آنوقت هر کس بیشتر برای ما نفع از دیگران بود با و نزدیک تر خواهیم شد.

بعد از احراز استقلال، اصلاحات اساسی ملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی نقطه نظر ما است که هر چه بر سر ایران آمده از فساد تشکیلات است و بس و قبل از همه چیز مرکزیت دادن به دولت را تقدیس و احترام بنماییم.

ترقیب زراعت سیب زمینی

شوند بخوانند محل کنند یک تومان بصدق تومان بهره

ای برادران زارع؛ ای کاشبها که قدیم خانه زینبهای باژدارید؛ صرفه جویی کنید نه شبلی؟

زراعت سیب زمینی - فوائد آن - رفع مرض و نگه داشتن آن

منافع سیب زمینی

سیب زمینی این تمام سربها و دانه نازد تر برضم و تحلیل میشود - پس از گندم از همه سبزها و تره؛ برای خدای انسان و حیوان مطلوب تر و خوش شیر است - راه کاشت و زراعتش آسان تر و درختش کمتر می افتد از گندم برآب که نعمت است عقیده علماء و حکما؛ ایدیا بر این است در هر بخشی که این نعمت خدا داد وسیع باید پیشه داشته شود من ملکت

در اصلاحات داخلی هم از حیث اشخاص نظر باصلاح  
 و ایران خواهی و درستی و فعالیت است و با احدی  
 را از نظر خصومت و خصومت شخصی نیست .  
 هر کس خدمتگذار تربیت پیش ما محبوب تر است  
 و ما مییم که اینها از فضل کامل مراعات کرد و این  
 اسم که دوازده سال است شنیده میشود دارای  
 معانی شود .

نسبت با خواب و فرقی سیاسی نیز عینا دارای  
 همین نظر یاتیم و هر جمعیتی که خدمتگذار ایرانت براد  
 موافق است و با دسته جات منحرف از ایرانت  
 سروکاری نداریم ،  
 آرسی ما که طرفدار یکجائی عموم مسلمانییم بدی است  
 راضی بخالف و ضدیت با برادر ایرانی خود نخواهیم بود  
 این است نظریات اساسی ما که تمام ایرانیان را  
 بدون استثنا دعوت بهم صدائی کرده و با مخصوص  
 از عموم ایرانیان فداکار خواستار مساعدیم تا بدون  
 التذ برسیم بانا معنی که بیری شیر و خورشید خود را  
 با فخر استقلال وطن کیان و عهد سانسایان بر  
 فراز لنگره قصور عالی حافظ استقلال و اصلاحات

برافرشته و بانهایت سر بلندی و شهادت بگویم  
 ایران از آن ایرانیان است

از سجاد گروس

معنی عدالت و اجرای قانون اساسی  
 و روزنامه نگاری در پایتخت مشروطه  
 در خصوص اعضا، کمیته مجازات اغلب روزنامه‌های  
 پایتخت بطور کلی نوشته اند که از طرف کلنل مستد ایل  
 رئیس تسکیلات نظمیه نمایندگان و مخبرین جراید مرکزی  
 به قتر تسکیلات اداره نظمیه دعوت شده راجع  
 باستطاق بعضی اشخاصی که مدتهاست بعنوان عضویت  
 کمیته مجازات در مجلس نظمیه گرفتار بوده و متبدا اظهار  
 نموده اند جمعی را باسم و رسم اعضا، کمیته مجازات معرفی  
 نموده و بعضی را نیز بی تفصیل معرفی کرده اند .  
 از جمله راجع بگرفتنی کمال الوزاره اغوی این بنده  
 که تقریبا شش ماه در حبس انفرادی نظمیه گرفتار بوده و  
 اخیرا چون پیدا کرده هر یک از روزنامه نگاران .  
 مرکزی از قول کلنل مستد ایل ما خود بدیرو بانمایند این  
 در آن محفل حاضر بوده از قرار ذیل اشعار سپارند .

بزم قحط و غلامین خواهد بود - و حاصل آن در زمینهای که چندان قابل زراعت نیست چهار برابر بیشتر از حاصل  
 کندم و غیره است که در زمینهای قابل کاشته شده باشد  
 تاریخ پیدا شدن آن ترجمه از کتب فرانسه - تاریخ پیدا شدن سبب زمینی بطور تحقیق معلوم  
 نیست لیکن مسلم است که ابتدا از امریکای شمالی در سال پنصد و پنجاه و یک هجری یک نفر شخص (زارا) نام سبب  
 زمینی را به مالک اروپا آورد و در فرانسه کاشته شد و در اوایل برای زبادی حاصل و از زمانی قیمت آن این مانده که در  
 پنجاه و بیچان مملکت نینور دند نام کم لذت و فوائد آن معلوم همه گردیده و امروزه در تمام ربع مسکون و ممالک متبدا  
 از ضروریات نموده اول شمار میرود ( آمدنش بایران را رجوع کنید باریخ سر جان ملک )

فصل و موقع کاشتن آن

بهترین فصلها برای کاشتن سبب زمینی برج حوت (یکماه پیش از عید فطر) است ولی در سردی و کوهها مثل تبریز

روزنامه مبارک که نیم رسی ایران در شماره (۱۵۶) تاریخ  
جمعه (۲۰) ربیع الاول ۱۳۳۶ در صفحه (۱) ستون (۲)  
چنین مرقوم میدارد (کمال الوزاره بواسطه بروز جنگل  
حواس و جنون که در مجلس باو عارض شده و در  
اظهار کمال و تند اهل مستقیماً تقصیر و جنایتی نسبت  
بایشان در طی استمطاق وارد نگردیده و کوی با حفظ مسأله  
مستقیم ارجح اودن پول با بعضای کتبه نموده بقید کفیل  
متخلص شده است).

روزنامه مبارک که وطن در شماره (۵۰) تاریخ یکشنبه  
(۲۲) ربیع الاول ۱۳۳۶ در صفحه (۲) ستون (۱)  
میگوید (کمال الوزاره کنگالی بانها نموده و بعضی اقدامات  
برای ترویج کتبه بعمل آورده است) پس از آن میگوید  
(موجب در قه که از طرف امیر حکماء و کمر نظریه اداره  
تشکیلات رسیده بود کمال الوزاره بقید دو هزار تومان  
کفیل شب بخشنده متخلص شد).

روزنامه مبارک که کوب ایران در شماره (۳۲) تاریخ  
شنبه (۲۱) ربیع الاول ۱۳۳۶ در صفحه (۲) ستون  
(۲) میگوید (کمال الوزاره فقط بعضی معاوضهای مالی  
و بعضی اقدامات دیگر نموده است) پس از آن میگوید

کمال الوزاره روز پنجشنبه (۱۹) ربیع الاول بواسطه  
استیلا بر مرض بالیونیا و جنون با کفالت مرخص شده  
روزنامه مبارک که نوبهار در شماره مسلسل ۳۲۱ شماره  
(۱۸) تاریخ یکشنبه (۲۲) ربیع الاول ۱۳۳۶ در صفحه  
(۲) ستون (۳) میگوید اشخاص ذیل هم که مستقیماً  
دخاتی در امر کتبه گذاشته اند کمال الوزاره که معلوم  
نمود از ترس تا نظر دیگر مساعدت غیر مستقیم نموده و  
همراهی پولی نیز کرده است بواسطه بروز جنون بقید  
کفیل دو هزار تومان متخلص گردیده).

روزنامه مبارک که ستاره ایران در شماره (۹)  
تاریخ یکشنبه (۱) ربیع الاول در صفحه (۲) ستون  
(۳) مرقوم میدارند (در خصوص دخالت دشمن  
کمال الوزاره آنچه تحقیقات بعمل آید ایشان بکلی منزّه  
و مبرا هستند از موهبت کتبه و از اقدامات کتبه سرفرو  
نموده ولی بواسطه تهدید و فشار یک از طرف کتبه به  
ایشان یدیه است گاهی کنگ و حتی از ترس جان  
خودش میگردد و ایشان در انبوه و مظلوم واقع شده  
اند و دیش که شب بخشنده بود بقید کفیل ایشانرا  
متخلص نمودند).

مراد - ظلال - شمیران - ویلا قها که در فصل حوت زمین آنها برف و یخ وارد باید سبب زمینی را در میزان (اول ماه  
پاییز) کاشت که اگر در محل و شور (فصل دوم بهار) کاشته شود حاصل آن کم و کوچک خواهد شد.  
باجربیت کانه عمل امروز آنچه بدست آمده است این است سبب زمینی آنچه در میزان (اول پاییز) کاشته شود  
از یکصد من بشود من آن بهتر و بیت من بدو ضایع خواهد شد.

در حوت (ماه آخر زمستان) از صد من بشود و سه من بهتر و بی عیب هفده من بد - در حمل (ماه اول بهار)  
شصت خوب و بی عیب چهل بد - در شور (ماه دوم بهار) سی خوب هفتاد بد - در جوزا (آخر بهار) بیست و پنج  
خوب هفتاد و پنج بد - عمل اغلب بانی علما در دو ماه آخر بهار است که بی بهره و کم نفع است.

ترتیب کاشتن آن  
اول باید بعد از آنکه از خاک بیرون آورده در ماه یا اقل در ماه کاشته شود وقت کارش باید بقدر دو شربا

سایر روزنامه های دیگر که زنده ام نمیدانم چه مردم داشته اند صرف نظر از اینکه مشروعات مبانی که راجع بحال الوزاره و با سایرین درجاید از قول کلنل وستد اهل نقل نموده اند که میتوان گفت در هر کسی بر لطینت خود می تند، شرح داده است بهرجهت وقتی که تمام مشروعات جراید پای تحت راجع بنایم رویم شده بخوبی معلوم می شود که وستد اهل نسبت بحال الوزاره بدین نبوده فقط ایرادیکه گرفته این بوده که من غیر مستقیم از ترس ملک مالی با آنها نموده در صورتیکه با آنها خود این معلوم می شود که بعضی تیرشاید از ترس یک مالی کرده اند ولی اگر فخران شده اند قطع نظر از اظهارات بعضی جریده نگاران مرکزی در این مدت شش ماهه بکلیت مجازات که شرح و بطی داده اند و بدون اطلاع اظهار اطلاع نموده اند و از طرف دیگر که در محبت حاصل را اقدام اداره نظمیته نبوده و نیت ریزان اداره تجری احکام اداره مافوق خود بوده و نیت ولی از نیت ضد اعظام و هجوم جریده نگاران و اعضا افرو مسای و خصوصاً فرقه مقدس و موکرات ولایات و ایالات که خود نیز بان فرقه مقدس متوب بوده و نیت سوال

بنماید که آیا معنی عدالت و اجرای قانون سرولت همین است که آنچه رئیس نظمیته پس از شش ماه جنسی اظهاراتی بنماید همان محاکمه شده و ثابت شد جنگ شده و قانع شویم و از جمله بحال الوزاره برادر بند در شش ماه توقیف بدون محاکمه بنماید تا اینکه بکلی دیوانه و مجنون بشود و یک عالمه را باین وسیله از بار انداخته و وجود او را کشتاید نشاء منت باین آب و خاک بوده بکلی منت و نابود نموده و طایفه بسته گان او را بکلی بایوس نموده و وقت اظهار بدارند که ادبی تقصیر بوده رمانمانند یکی مشاور الوزاره

جنگل

بر این ملکت زار باید گریست  
که فریاد رس ندانند گیت

بسیح معلوم نیت ایرانی صیت و تبعه گیت و نامتوا  
و صاحب اختیار و فعال با برید بر جان و مالش چند  
نفرند و پد اشخاص هستند هر کسی که خبرتی قدرت  
و پیشرفتی برای خود به مید بصیغ تر از خود هر گوشه  
جنایت و تقصیری را مرتکب می شود نه داری است

یک چارک زمین را کودال نمایند دوم فاصله میانه هر یک با دیگری دو شریک چارک باشد و این میانه خاک نرم باشد (نه آنکه آنقدر از زمینی که فاصله است سخت باشد) که بتواند ریشه بدواند.  
سوم برای کاشتن سیب زمینی های درشت و بی عیب بر چین نماید که اگر خراب باشد در نیت بعد و کوچک باشد حاصل آن کمتر و کوچک خواهد شد چهارم اگر میخواهند سیب را پاره بکنند باید بداری پاره کرد و بعد از پاره کردن در جای معتدل چند روز بگذرانند تا کناره های پاره قدری خشک شود تا یک هفته بگذرانند باند بترت اگر میخواهند قدری بکارند قدری که پنجه نرم بر آن بپاشند قدری بکارند بسیار خوب خواهد شد پنجم اگر میخواهند سیب درشت بی عیب را چشمه بایش را پر گوشت بردارند و کوچ پاشیده بکارند تا نعلش خیلی خوب میشود ششم پس از سبز شدن باید مواظبت نموده غلفهای هرزه اطراف آن را باید برهنه کند که مانع رشد آن نشود و اگر شاخه های تازه سبز شده را نش بکنند بگیرد ولی حاصلش کمتر میشود هفتم

از روسای مالیه بحرم حیاتی که در مالیه ایران کرده اند و از آن جمله یک درومی (۷۰۰) هزار تومان در تحدید تریاک است جلب بجا که شده اند.

اگر محاکمه این مقصرین بجائی برسد امیدواری است که دیگران من بعد حساب کار خود را داشته و از غارتگری مالیه ملکت هذر نمایند.

ولی افسوس که باز در دوران اجانب و ارگانهای سفارت خانه ها که میخواهند ملکت را بر روز سیاه نگاه دارند و دست ایران را همیشه نزد اجانب دراز کنند بنای دسائس و تحریکات را گذاشته و میخواهند محاکمه را باین نیرنگها از میان ببرند.

حقیقاً محاکمه مقصرین وزارت مالیه یک بحران بزرگی است که با ممکن است مالیه ملکت را منظم کند و یا بکلی هرج و مرج را در ادارات طهران بالتبع در تمام ولایات هکذا نماید.

آری اگر این مردودان اجانب و ارگانهای سفارت خانه با باین نیرنگ هایک چنین محاکمه حیات و معاشی را لغو نکنند آنوقت دیگر باید فاتحه مالیه ایران را خواند و یقین کرد که ادارات ایران

لجاء و پناهی بدانکه معلومند بدوید که دارند چون هم محافظه کار ملت بحسب ولی الطلاع از معنی حق حیات با این حال البته شدید تر از این جنایات را باید منظور بود

نمایشات غیر مترقبه در طهران

روزنامه های واصله از طهران چندی است بلیقتت از نشریات خود را صرف نمایشات غیر مترقبه که اخیراً در مالیه داده میشود گفته اند این نمایشات بطوری هو احوال آن سعادت ملکت را مبهورت کرده است

که ما مجبوریم آن را نمایشات غیر مترقبه نام بگذاریم شرح هرج و مرج مالیه ایران که در مشروطیت تلفیف النهار شدت خود رسیده است معنی از ذکر بیان است غارتگری در مالیه ایران بقدری ترقی کرده که ضد دولت همیشه تھی است و دولت ایران هر روز باید دست خود را پیش اجانب دراز کرده تن کتلهای استقلال کش بدوید.

بهر ملاقه مندان بعبادت ایران از این وضعیت ناگوار بکلی ناپوسس بودند و بچکس نبود از این غارتگران بازخواستی نکنند.

اخیراً بطوریکه جواد طهران شعار میدارند چهار نفر

اگر شاخهای سبز آن را بخواهند و از طرف بیخ آن خاک زیاد روی آن بریزند که سر شاخه بیرون باشد و رشد کند حاصلش فوق العاده زیاد و بهتر خواهد شد هشتم باید هر قدر گل میدهد تمام گل های شاخه های آنرا با آب بکنند که حاصلش زیاد خواهد شد . باید وقت کرد وقت رسیدن پیش از آنکه شاخه ها بچکد بیرون بیایند و الا غفلت بکنند یا در زیر زمین سبز یا نرم و ضایع خواهد شد .

زمین قابل زراعت سبب زمین

صد زمین نرم و هموار حاصل آن بسیار خوب میشود . زمینهای سنگلاخ و سخت خوب نیست - در زمینهای گران و مانندان و ولایات که بارندگی زیاد میشود باید اولاد را کودالی که آن را میکارند قبل از کاشت قدری خاک کاه یا گلش بریزند بعد سبب زمین را بالای آن گذاشته خاک بریزند .  
 طریقہ رشودہ کہ کو دسکونید

استحقاق دارد - ما محتایه خود را الهام کردیم  
و منتظریم که بریت حاکمه بدون محافظه کابی که تکلیف  
معمول به این ملکت بوده و روزگار را بسپاره کرده است  
نتیجه می‌گردد که معلوم کنند.

ادبیات

ای جان و تم فدای جنگل  
جان تازه شد از ندای جنگل

اسلام و وطن بصورت  
پر کرده پر خوشنمای جنگل

سر دفتر بوستان غیرت  
شادمانت دلگشای جنگل

غیرت همه بچه شیرزاید  
از تربیت هوای جنگل

شیران نرند غنچه است  
در پای دوشتهای جنگل

مردان زبان و سرگشته  
گشته چو رهنمای جنگل

آنا بش و امن سایه آکنده  
از نسته پرنهای جنگل

ای حسنه ظلم و جور بر خیز  
عدل است همه بنای جنگل

جنگل چو جمله فخر خیزید

خوش است مرا شای جنگل

جز لفظ نبود آنچه گفتند

معنی طلب از صدای جنگل

خوشتر ز نوای بر لب و ساز

آواز شنگهای جنگل

دانش همه نصر و فتح بیند

در پرچم اعتلای جنگل

چسبند پرنده

اعطای لقب

آقای حاجی قائم مقام الملک کیسانی با مراد حضرت  
امیر اطوری بیدر مرحوم خود شریعتدار لقب بزرگوار

مرحمت فرمود ما ان مرحوم را برای تحصیل این افتخار بزرگ  
تبریک میگوئیم البته پسری که این طور نامدار است

پر هم باید بزرگوار باشد.  
توضیح

پل منجیل پل راه عراق خال خانه از بقایای ثلث

زمینی که ریشه ندارد از یکین سبب زمینی یکصدوسی من حاصل بیرون آید ولی ریزه کوکب اما آنچه معلوم شده است  
حاصل ریشه معموله علماء و فنگ وزارتین با علم از قریبی است که در ذیل شرح داده شده .  
شن مخلوط افضل مرغ یک من حدود پنجاه من حاصل میدپر ریز - ایک تنها یکین صد و هفتادالی باشد من  
متوسط - گرد لیزه مخلوط با خاکستر یکین صد و نود من متوسط - ایک با خاکستر یکین صد و نود و دو من -  
کل فی (لوتی) با ایک یکین دولت من خیلی خوب - فضل مرغ با خاکستر یکین دولت و سی من خیلی خوب  
خاکستر تنها یکین دولت و ده من ریز - فضل اوم یا حیوان با ایک دولت و هشت من متوسط - گرد  
با فضل گرم شده یک من سیصد من اعلا - فضل گاو یا اسب گرم شده یکین دولت و پانزده من متوسط  
خاک صاف با خاک دود خورده یکین دولت و سی شش من اعلا - جرم صابون پزان یکین سیصد و هشتاد و پنج من  
چراک سنگهای کوه یکین چهارصد من خوب - چو لاب معدن خانه که لند کوه می آید یکین سیصد من خوب - بقیه دارد

مرحوم حاجی محمد باقر تاسیس شده که اگر وجود داشت  
اندر حوم صرف تجملات ... گردید این مختصر بحیرت  
مصرف شد شاید این تفضیه اطلاق عبارات  
و امالی کیلان و بنده شما عهد ...

تجارتخانه جدید

بمجموع ایالات و ولایات اعلان میشود که این اوقات  
در طهران تجارتخانه تاسیس شده که در او خرید و  
فروش قینک میشود یک قینک مبلغ کلی شش  
و همدو هرگز از هر کجا طالب این تجارت عهد میشود  
در طهران از خرابیان علاء الدوله کانتور متر با یک  
انگلیسی رجوع نماید .

اطلاع

در اثبات پیاده خبر میدهم که بین قنول انگلیس مقیم  
رشت در قس با یک شاهنشاهی در خصوص سبب  
ساختن مسو بر اوین گفتگویی حادث گشته زنده نموده  
کارسان بنامه مخبر شد آخر الامر بتصدیق  
صه نام کتاب (مک حسن دله) راضی شدند  
و او هم موکل به حاجت کاپتن نزل از قفقاز نمود  
پس از مراجعت کاپتن نزل با اطلاع از حقیقت امور  
وزار بر این شد که تا دولت بریطانی بوسیله مزدوران  
ایرانی و ایتام نامورین خود کاملاً با ثوب کیلان  
موفق نشود نباید در این موضوع چیزی کرد خلاصه را  
سکوت عنه گذاشته و گوشه اختیار کردند تا پرو  
پاکانه ای که از مرکزهای دیگر نامور ختاش  
کیلان شده و اند ناموریت خود را انجام داده پس  
از احراز موفقیت و خاطر کار و در الرزقه بدو  
حیة لبر این پیشینها گشته که رسمیت مسو بر اوین  
را افضا نماید .

شرکت ورود

کاپتن نزل انگلیسی که یکی از ویلات های توانا است  
برای استحکام روابط دولت بریطانی اعظم و است  
حجت تمام افراد انگلیسی با کلیه جنس بشر خاصه مسلمانان  
باهمس ایران متنی در ایل بختباری و جنوب  
و غرب و سایر نقاط ایران با رضات زیاده حاصل  
اغلب زبانهای بومی مسافرت نموده و بتصدیق نزل  
گشته این او را خبر برودیه و قفقازیه سفر کرده تفسیر  
امورات آنجا موفق گشته تخم فحاش را از زبان بلکنین  
قفقاز از مسلمان و کرجی و لرمنی بدو داشته مرتب  
بایران نمود که معقبت خود را بدولت مملوم  
نوا از طبع انگلیس مرده دهد .

با ایرانیان را بشارت میدهم که این شخص  
پیوسته حبیبی بقصد مجده و تشریف فرمای ایران شده  
عقرب بنا بطینت پاک خود و حسن نیت دولت  
فخر انگلیس باقی مانده ایران را بهم گرفت و فاضول  
نموده بعد یکی راحت و آسوده در ظل مراسم دولت  
بی آزار زنده کی خواهند نمود

کوله بار از انیس پیاده

آقای ... شرح زندگانی حاجی میرزا احمدی شیرتبار  
گیلانی و پسرش حاجی میرزا محمد رضای قائم مقام الملک  
شربت زاده که مشروطاً با اداره فرستاده ایدیه  
تنها بلکه تمام امالی کیلان مستخر و شمار در این  
نگارشات تصدیق دارند در این نمره بر روی صفح  
صفحات از در حش هند میرزا همیم نقاشان و در سر  
آیه حسب الوطیفه درج خواهد نمود .